

## مبانی و معیارهای حاکم بر جرم انگاری جرایم نوپدید در شبکه های اجتماعی با چشم انداز مدیریت پیشگیری

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN  
GOOGLESCHOLAR.ENSANI  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

سال ۱۴۰۳، سال پنجم، شماره ۲۱،  
صفحات ۱۶-۱

استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

امین امیریان فارسانی

استادیار گروه مدیریت دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

سمیه احمدزاده

### چکیده

امروزه شبکه‌های اجتماعی، تبدیل به وسایل ارتباط و تعامل جوامع انسانی شده‌اند و هر روز بر تعداد و اعضای آنها افزوده می‌شود. هرچند این امکانات بشر امروزی را توانمندتر از گذشته کرده است. با پیشرفت روزافزون علم و تکنولوژی، جوامع مختلف در گذر از جامعه سنتی به یک جامعه پیشرفته علاوه بر حفظ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی که از قبل موجود بوده است، با جرائم جدید روبه رو می‌شوند که به خاطر نداشتن سابقه و پیشینه در جوامع انسانی به آنها آسیب‌های اجتماعی نوپدید می‌گویند. جرائم نوپدید، جرائم مرتبط با با فناوری جدید شبکه‌های اجتماعی است که ناشی از استفاده از این شبکه‌ها از جمله اینستاگرام، تلگرام است که می‌توان به فیشینگ، فارمینگ، قماربازی اینترنتی، کلاهبرداری اینترنتی اشاره نمود. جدید و نوپدید بودن این جرائم، متضمن این امر است که برخی از این جرائم، در قانونگذاری ایران جرم انگاری نشده است. هدف اصلی این پژوهش پرداختن معیارها و مبانی جرم انگاری جرم نوپدید در شبکه های اجتماعی است که با روش پژوهش توصیفی – تحلیلی به این دستاوردها رسیده است که امکان جرم انگاری جرائم نوپدید دو دیدگاه فائل بیان است. اولین دیدگاه بر مخالفت جرم انگاری این جرائم بر اساس اختیار مطلق فرد در استفاده از شبکه‌های اجتماعی تکیه دارد، که با ضروریات جامعه امروزی قابل پذیرش نیست. اما دیدگاه دوم فائل به جرم انگاری، جرائم نوپدید شبکه‌های اجتماعی بر طبق اصولی از جمله اصل لاضرر، مصلحت و..... شده است، که دیدگاه دوم با توجه به پیامدهایی که این جرائم به دنبال دارند قابل قبول می‌باشد.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، جرائم نوپدید، اینستاگرام، مبانی، معیار جرم انگاری

طبقه‌بندی JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern  
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,  
Magiran, Ensani,  
GoogleScholar  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

Year 2025 ,fifth year, Issue 21

Pages 1-16

## **Principles and criteria governing the criminalization of emerging crimes on social networks with a perspective of prevention management**

**Amin Amirian Farsani** Assistant Professor, Department of Law, Shahid Ashrafi University of Isfahani, Isfahan, Iran

**Somayeh Ahmadzadeh** Assistant Professor, Department of Management, Shahid Ashrafi Isfahani University, Isfahan, Iran

### **Abstract**

Today, social networks have become a means of communication and interaction for human societies, and their number and members are increasing every day. However, these facilities have made modern humans more capable than in the past. With the increasing progress of science and technology, various societies in the transition from a traditional society to an advanced society, in addition to maintaining many of the social harms that have already existed, are faced with new crimes that are called emerging social harms due to their lack of precedent and background in human societies. Emerging crimes are crimes related to new social network technology that result from the use of these networks, including Instagram and Telegram, which can be referred to as phishing, pharming, online gambling, and online fraud. The newness and emergence of these crimes implies that some of these crimes have not been criminalized in Iranian legislation. The main goal of this research is to address the criteria and justification for criminalizing emerging crimes on social networks, which has been achieved through a descriptive-analytical research method, which states that there are two perspectives on the possibility of criminalizing emerging crimes. The first perspective is based on opposing the criminalization of these crimes based on the individual's absolute discretion in using social networks, which is unacceptable given the needs of today's society. However, the second perspective is based on criminalizing emerging crimes on social networks according to principles such as the principle of harmlessness, expediency, etc., which is acceptable given the consequences of these crimes.

**Keywords:** Social networks, emerging crimes, Instagram, fundamentals, criminological criteria

**JEL Classification:** Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

## مقدمه

که در یک بررسی ساده می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر جوانان اوقات زیادی را با شبکه‌های اجتماعی سپری می‌نمایند. فضای مجازی نوعی اجتماع و همسایگی بزرگی است که میلیون‌ها کامپیوتر و استفاده‌کنندگان آن را در سراسر جهان به هم پیوند می‌دهد. با غلبه اینترنت بر زندگی روزانه انسان‌ها، طبیعی به نظر می‌رسد که بسیاری از مشخصه‌های جامعه سنتی نیز به درون کشیده شوند و در آنجا شکل گیرند. امروزه، امور زیادی از قبیل خرید و فروش، تحصیل، مشاوره خانوادگی، ازدواج و حتی مشاوره‌های پزشکی میان پزشکان و بیماران در اینترنت انجام می‌گیرد. از این رو، هیچ جای تعجبی نیست که مجرمان اینترنتی در فضای مجازی مرتکب جرم شوند (کوثری، ۱۳۸۷: ۹۳). رشد شبکه‌های اجتماعی، عضویت اکثر اشخاص حداقل در یکی از این شبکه‌ها، عدم اطلاع و آگاهی کاربران از بعد فنی فضای مجازی و همه گیر شدن ارتباطات از طریق آنها و درگیر کردن بخشی از زندگی اشخاص، سبب وقوع جرائم مختلفی در این رابطه شده است.

امروزه علاوه بر توجه به جرائم کلاسیک باید به جرائم جدید و نوظهور جرائم شبکه‌های اجتماعی و به خصوص قربانیان این جرائم نیز توجه شود. لزوم بررسی و داشتن نگاه جرم‌شناسانه به این فضا و شناخت کنشگران این محیط که همانا بزهکاران و بزه‌دیدگان شبکه‌های اجتماعی هستند امری اجتناب ناپذیر می‌باشد. دو گروه از قربانیان به خصوص، نیازمند حمایت ویژه هستند، اول زنان که بر پایه معیار آسیب شناسانه جنس، موجوداتی آسیب‌پذیر در برابر جرائم می‌باشند. در واقع همانطور که در جرائم فضای واقعی نیز مشاهده می‌شود، جنسیت افراد نقش تعیین‌کننده‌ای در بزه‌دیدگی آنها دارد. چرا که با توجه به شیوه‌های زندگی زنان و مردان و تفاوت‌های شخصیتی آنان و نیز وقوع جرائم در مواردی زنان گزینه‌های بهتری برای مجرمان هستند، این قاعده در جرائم فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و بزه‌دیدگی مجازی نیز به چشم می‌خورد و گروه دیگر کودکان و نوجوانان هستند که از نظر

با ورود رایانه و اینترنت به زندگی اجتماعی بشر، تغییرات شگرفی را در جامعه بشری شاهد بودیم. به تبع این تغییرات زندگی بشر به فضای جدیدی منتقل شده و یا در حال انتقال است به همین سبب جرائم در اجتماع شکل جدیدی یافته و روش‌های جدیدی را برای پیشگیری و کشف می‌طلبد و آینده پژوهی برای ترسیم وضعیت جرائم در آینده اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. با پیشرفت روزافزون علم و تکنولوژی، جوامع مختلف در گذر از جامعه سنتی به یک جامعه پیشرفته علاوه بر حفظ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی که از قبل موجود بوده است، با آسیب‌های اجتماعی جدید روبه رو می‌شوند که به خاطر نداشتن سبقه و پیشینه در جوامع انسانی به آنها آسیب‌های اجتماعی نوپدید می‌گویند. آسیب‌های نوپدید، آسیب‌های مرتبط با فناوری جدید ارتباطی است که آسیب‌های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، فضاهای مجازی، تلفن همراه و اینترنت می‌تواند در این مجموعه قرار گیرد.

یکی از مهمترین رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی است. شبکه اجتماعی مجازی زنجیره‌ای از ارتباطات و گروه‌های شبکه اجتماعی یا حضور غیر فیزیکی افراد در یک محل مجازی است. شبکه‌های اجتماعی به مثابه راه‌های مختلفی می‌مانند که مردم در زمان عبور از آن می‌توانند در مورد مسائل مختلف باهم صحبت کنند، اطلاعات عمومی یا خصوصی خود را در قالب‌های مختلف اعم از عکس، ویدئو، واژه‌ها، دست نوشته و .... با فرد خاص یا گروه خاصی به نمایش و اشتراک بگذارند. اخیراً بحث ارتباط شبکه‌های اجتماعی با آموزش مورد توجه متخصصین و کارشناسان آموزش الکترونیکی قرار گرفته است.

شبکه‌های اجتماعی، به خصوص تلگرام و اینستاگرام دنیای وسیع و پیچیده‌ای است که امروزه بین اقشار مختلف جامعه بالاخص بین جوانان، جایگاه خاصی پیدا نموده است، به نحوی

## ۱- سیر تاریخی جرائم شبکه‌های مجازی در حقوق جزای ایران

از آنجا که رایانه از سال ۱۳۴۰ وارد ایران شد و تا قبل از پیوستن ایران به شبکه جهانی اینترنت و فناوری اطلاعات یعنی تا دهه ۱۳۷۰ تعداد کاربران رایانه و اینترنت افزایش چندانی نیافته بود به همین دلیل در ایران جرائم رایانه‌ای سابقه زیادی ندارد و از عمر ورود جرائم رایانه‌ای در ایران بیش از دو دهه نمی‌گذرد (باستانی، ۱۳۹۱: ۲۰). شرکت نفت و بانک ملی در سال ۱۳۴۱، دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ شروع به کار با رایانه نمودند. از سال ۱۳۵۷ به بعد کمیسیون انفورماتیک تشکیل گردیده بود. امروزه با توجه به فعالیت‌ها و تلاش‌های ارگان‌های متولی فناوری ارتباطات و استفاده از رایانه، میزان استفاده کنندگان از اینترنت در سالهای اخیر رشد تصاعدی داشته است. استفاده از رایانه و اینترنت به عنوان شبکه‌های اطلاع رسانی توسط مؤسسات، ادارات، مراکز پژوهشی، بانک‌ها و سایر مراکز خدماتی دولتی و خصوصی افزایش پیدا کرده است. همین امر از سال ۱۳۷۰ سبب گردید که کسانی با ایجاد وب سایت‌ها و وبلاگ‌ها به انتشار مطالب خود در زمینه‌های مختلف سیاسی، علمی، مذهبی، اقتصادی و غیره بنمایند. همزمان با افزایش میزان کاربران بر تعداد مرتکبین جرائم فضای مجازی نیز افزوده گردید. کپی برداری غیر مجاز از نرم افزار به عنوان اولین جرم فضای مجازی در ایران ثبت گردید و بعد در شورای عالی انفورماتیک توسط مراجع قضایی مطرح شد و در شعبه ۶۵ دادگاه کیفری ۲ تهران در تاریخ ۳/۴/۱۳۷۲ منتهی به صدور حکم محکومیت کیفری گردید (خرم آبادی، ۱۳۸۴: ۴۷). به موجب این دادنامه، که در خصوص شکایت یک شرکت نرم افزاری علیه مسئولین شرکت دیگر مبنی بر کپی برداری و فروش غیر مجاز نرم افزار رایانه‌ای بود که پس از احراز وقوع بزه متهم را به تحمل مجازات محکوم و حکم به جلوگیری از عرضه نرم افزارهایی که به طور غیر مجاز تکثیر شده بود کردند

ویژگی‌های بدنی، روانی و شخصیتی با بزرگسالان متفاوت است. این تفاوت آنها را بیش از بزرگسالان در برابر کژروی و بزه‌دیدگی آسیب‌پذیر می‌سازد (زررخ، ۱۳۹۱: ۱۳۷). در خصوص امکان جرم انگاری جرائم نوپدید شبکه‌های اجتماعی، دو دیدگاه را می‌توان بیان نمود:

دیدگاه اول عدم امکان جرم انگاری: برابر یک عقیده، فرد در اعمال مربوط به خود، آزادی‌اش مطلق است و حدی بر آن، متصور نیست و معتقدند که، فرد بر خویشتن و بر تن و جان خویش، سلطان مطلق است (هانر و استیوارت، ۱۳۷۹: ۲۰۷). بنا به این دیدگاه، حوزه خصوصی (امر خصوصی) که شبکه‌های اجتماعی را می‌توان جزئی از آن دانست، چیزی است که باید از مداخله دولت به عنوان اداره کننده حوزه عمومی و نظارت شهروندی، به دور باشد، که همین مسئله نهاد حریم خصوصی را خاطر نشان می‌نماید (نوبهار، ۱۳۸۷: ۴۹) پس برابر دیدگاه اول، جرم انگاری شبکه‌های اجتماعی با توجه به اینکه عضویت در این شبکه‌ها امری خصوصی محسوب می‌گردد، بر این اساس مقنن نمی‌تواند به جرم انگاری این شبکه‌ها بپردازد. اما این دیدگاه با واقعیت‌های جامعه امروزی، همخوانی ندارد.

دیدگاه دوم امکان جرم انگاری: دیدگاه دوم قائل به جرم انگاری جرائم نوپدید در شبکه‌های اجتماعی است. اصول جرم‌انگاری شبکه‌های اجتماعی که بیشتر بیانگر قواعد بنیادین جرم‌انگاری مانند اصل ضرر، اخلاق‌گرایی حقوقی و مصلحت، در مورد همه مواردی که نیاز به جرم شمردن یک عمل هست باید رعایت شوند. برای مثال در تبیین اصل ضرر در جرم انگاری جرائم نوپدید شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت، یکی از مهمترین مبانی جرم انگاری، مبنا یا اصل ضرر است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، به عنوان مبنایی معقول برای تحدید آزادی فردی و امکان مداخله قدرت عمومی پذیرفته شده است (حاجی ده آبادی و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۲: ۳۵).

## ۲- مبانی حاکم بر جرم انگاری جرائم نوپدید شبکه‌های اجتماعی

مبانی قانونگذار همواره با در نظر داشتن مبانی و دلایلی، رفتاری را جرم انگاری می‌نماید، اما این مبانی و دلایل معمولاً مورد تصریح قانونگذار قرار نمی‌گیرد و از متن قوانین اصولاً نمی‌توان اشاره‌ای صریح به مبانی جرم انگاری رفتارهای گوناگون داشت. مهم‌ترین مبانی حاکم بر جرم انگاری جرائم نوپدید شبکه‌های اجتماعی را می‌توان در موارد زیر مورد بررسی قرار داد.

### ۱-۲- مبانی حقوقی

جرم انگاری بی ضابطه و گسترده در قوانین کیفری علاوه بر اینکه موجبات بروز آثار و تبعات سوء تورم کیفری را فراهم می‌کند با اهداف حقوق جزا نیز مغایرت دارد. وجود ضمانت اجرایی خاص در حقوق جزا همچون سلب حیات، محدود کردن آزادی، تنبیه بدنی و ... ضرورت جرم انگاری مضیق و بر مبنای اصول را روشن می‌سازد. جرائم شبکه‌های اجتماعی، به اقتضای ویژگی‌هایی از قبیل سهولت ارتکاب جرم، کثرت بزه دیدگان و کم سن بودن اغلب مجرمان آن، در کنار اصول عمومی، اصول و مبانی حقوقی خاصی در جرم انگاری را می‌طلبد. اصولی که ارتباط مستقیمی با ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد در فضای مجازی دارد. جرم انگاری در جرائم شبکه‌های اجتماعی هنگامی صحیح و قابل پذیرش است که بر مبنای اصولی چون ضرورت و ضرر انجام شود، همچنین ضمن احترام به حریم شخصی و حقوق افراد، باید تناسب دقیقی بین رفتار مجرمانه و نوع و مقدار مجازات داشته باشد. در واقع می‌توان ادعا کرد جرم انگاری از یک فعل یا ترک فعل در فضای مجازی، اقدامی خطیر است که توجه به ویژگی‌ها و عوامل مختلفی را می‌طلبد، در غیر این صورت نه تنها اهداف جرم انگاری محقق نمی‌شود، بلکه اقتدار حقوق کیفری نیز دچار صدمات جبران ناپذیر خواهد شد. جرم انگاری کارآمد و مؤثر یکی از دغدغه‌های جدی نظام قانونگذاری در هر کشوری است. در صورتی که جرم انگاری به صورت غیرکارشناسی و

بدون رعایت اصول و قواعد صورت بگیرد در عمل شاهد خواهیم بود که با قوانین ناعادلانه فرصتها را برای افراد جامعه محدود می‌کنند و یا و یا قوانین با وجود آنکه پشتوانه کیفری دارند اعتباری نزد افراد ملت ندارند و توسط افراد آنها اجرا نمی‌شوند و بدین ترتیب علاوه بر اینکه بر شمار قوانین متروک افزوده می‌شود، اقتدار و صلابت حقوق کیفری نیز در هم می‌شکند (جوان جعفری، ۱۳۸۹: ۱).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم به تفصیل حقوق و آزادی‌های ملت را برشمرده است که به خوبی نشانگر موضع گیری قاطع نظام جمهوری اسلامی در برابر هر گونه خودکامگی قانونگذار در امر جرم انگاری است. جرم انگاری نیز به حکم بدهت عقل و به عنوان شرط لازم برای مشروعیت جرم انگاری و تعیین مجازات، تنها از طریق قانون موضوعه امکان پذیر می‌باشد. اصل ۳۶ قانون اساسی بر این مهم تأکید ورزیده است. مطابق این اصل: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالحه و به موجب قانون باشد».

سؤال بنیادی در مورد فرایند جرم انگاری این است که آیا قانون گذاران مجازند با اتکا به قدرت و سلطه رسمی بر افراد جامعه، به طور مطلق یک رفتار را جرم محسوب کنند و برای مرتکب رفتار، مجازات در نظر گیرند؟ بی شک اگر این فرض پذیرفته شود نفس موقعیت و مقام قانونگذار به عنوان عامل مشروعیت بخش در امر جرم انگاری کفایت خواهد کرد. برخی دیدگاه‌های پوزیتیویستی چنین شائبه‌ای را ایجاد می‌کنند، اما مشروعیت قانونگذار با مشروعیت جرم انگاری توسط قانونگذار دو مقوله مستقل است. شکی نیست که قانونگذار باید از طریق قانونی به قدرت رسیده باشد، با این حال رسمیت قانونگذار برای مشروعیت بخشی به جرم انگاری تنها شرطی لازم است ولی شرطی کافی نیست. اصل ۳۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالحه ثابت گردد».

در مجموع نقض غرض قانونگذار می‌شود) جوان جعفری، ۱۳۸۹: ۳-۵).

میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی چنان رو به گسترش است که نسل کنونی را نسل اینترنت یا نسل شبکه نام نهاده‌اند. این نسل متولدین اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد هستند. بین استفاده نسل‌های مختلف از شبکه‌های اجتماعی و همچنین انگیزه‌های آنها از پیوستن به فضای مجازی تفاوت‌های قابل توجه وجود دارد. آمارها و ارقام به خوبی نشان می‌دهد که در تمام کشورهایی که در خصوص سن کاربران اینترنت سنجش به عمل آمده است جوانان ۱۶ تا ۲۴ ساله بیشترین استفاده از اینترنت را دارند (توکل و کاظم پور، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

متأسفانه کاربران جوان اینترنت، اغلب بدون مواجه شدن با یک ارتباط ناخوانده از سوی سایر مجرمان اینترنتی، قادر به شرکت در فعالیتهای آنلاین نیستند. بر اساس مطالعات مختلف بر روی استفاده جوانان از اینترنت، تعداد کثیری از جوانان، در حالی که از روشهای ارتباط رایانه‌ای استفاده می‌کنند، گونه‌های ذیل از بزه دیدگی را تجربه کرده‌اند: قرار گرفتن ناخواسته در معرض داده‌های جنسی، تقاضای جنسی، مزاحمت‌های ناخواسته غیرجنسی از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های جرائم اینترنتی که هشدار جدی برای جوامع امروزی است، روبه رو شدن با دسته بزرگی از مجرمان نوجوان است که بعضاً به سن مسئولیت کیفری نرسیده‌اند. در حالی که جرائم ارتكابی آنان در عرصه اینترنت، از نظر صدمه و آسیب بسیار گسترده‌تر از جرائم سنتی می‌باشد. بنابر آنچه گفته شد باید اذعان داشت فضای مجازی چالشهای نگران کننده‌ای را در خصوص کودکان و نوجوانان به وجود آورده است. از یکسو با حضور کثیری از کودکان در این فضا، امکان بزه دیدگی این افراد بالا می‌رود و از سوی دیگر در برخی موارد همین کودکان جرائمی را با خسارت‌هایی که امکان ایجاد آن توسط آنها در جرائم سنتی نزدیک به محال است به وجود می‌آورند. لذا قانونگذار کیفری باید اولاً با اعمال تشدید

بنابراین در مقام جمع بین حقوق افراد و جامعه ابتدا باید در راستای اصول آزادی، اباحه و برائت، از جرم انگاری خودسرانه امتناع ورزید و در آخرین مرحله و در راستای صیانت از نظم و هنجارهای جامعه در برابر صدمه زندگان قابل سرزنش، از شیوه قهرآمیز جرم انگاری و مجازات سود جست. درواقع جرم انگاری اساساً امری خلاف اصل خلاف اصول اباحه و برائت بوده و تنها در موارد خاص یعنی در مواردی که یک رفتار به قدر کافی زیان بار و سرزنش آمیز باشد مشروعیت خواهد داشت. این امر قانونگذاران را از جرم انگاری گسترده رفتارها منع می‌کند و آنها را ملزم می‌سازد تا جرم انگاری را به مواردی که یک رفتار، صدمه و سرزنشی شدید در پی دارد محدود سازند؛ بنابراین پیش شرط جرم انگاری، رعایت اصل صدمه و سرزنش است. اگر رفتاری که قانونگذار آن را جرم شناخته است به قدر کافی صدمه و سرزنش در پی نداشته باشد حقوق و آزادی‌های افراد جامعه مخدوش خواهد شد و مردم عملاً از دستور قانونگذار مبنی بر عدم ارتكاب چنین رفتاری سرپیچی خواهند کرد. برای مثال جرم انگاری قتل عمدی، کلاهبرداری، سرقت و خیانت در امانت قابل توجیه‌اند و از مبنایی مشروعیت بخش بهره می‌برند. جرائم مذکور با هر دو اصل صدمه و سرزنش مطابقت دارند، زیرا از یکسو به امنیت، جان یا مال افراد صدمه وارد می‌سازند و از سوی دیگر تقبیح و سرزنش اخلاقی و اجتماعی را بر می‌انگیزند. هرچند مشروعیت جرم انگاری منوط به سرزنش آمیز بودن رفتار و زیان بار بودن آن است، اما وزن هر یک از اصول سرزنش و صدمه نزد حقوقدانان و مفسرین قانون یکسان نیست. قطع نظر از ترجیح یکی از این اصول در فرایند جرم انگاری، باید به این مطلب یقین داشت که جرم انگاری و مجازات همچون هر نهاد دیگری تنها در جای خود می‌تواند رسالت خویش را ایفا کند و گسترده کردن حدود و ثغور آن موجب پیامدهای نامطلوب دیگری می‌شود. استفاده ابزاری از حقوق کیفری برای ارزش گذاری یک مهم در جامعه، نه تنها بی اثر است بلکه موجب پایمال شدن ارزش مورد نظر و لوٹ شدن ابزارهای حقوق کیفری و

نظمی در چارچوب‌های پذیرفته شده اجتماعی بوده و در حقیقت اصلی‌ترین مفهوم حقوق کیفری نیز همین است، یعنی حفظ نظم و آرامش اجتماعی اما این هدف چگونه محقق می‌شود؟ آیا فقط با مجازات کردن؟ مجازات چیست و با چه هدفی تعیین می‌شود و چه محدودهای دارد؟ سؤال‌ها در بدو امر ساده‌اند و شاید تصور کنیم پاسخ نیز ساده است؛ اما هنگامی که به تاریخ اندیشه‌های کیفری مراجعه می‌کنیم با انبوهی از پاسخ‌ها مواجه می‌شویم. اینکه اهداف و ویژگی‌های مجازات و همچنین معانی مختلف مجازات چه هستند و معانی مختلف جرم کدام اند و مجرم چگونه انسانی است؟ با همه این تکرار و تنوع، آنچه نسبتاً مورد وفاق است ارزشها و هنجارهایی می‌باشد که حفظ و نگهداری آنها برای سعادت نوع بشر و زندگی انسانی او در دنیا ضرورت دارد. نیاز به توضیح نیست که مهم‌ترین هنجارهای پذیرفته شده هر جامعه را اخلاقیات تشکیل می‌دهند. جوامع به ویژه از نوع دینی، اصولی معین و شناخته شده دارند که معانی بد و خوب و درست و نادرست و وظایف اجتماعی که فضیلت یا رذیلت شناخته می‌شوند را تعریف می‌کند. از این رو پیدایش دولتها و به ویژه نهادهای قضایی و کیفری را برای محافظت از همین چارچوب دانسته‌اند (نوربها، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

خیلی پیچیده نیست اگر معتقد باشیم انسجامی آشکار در اهداف حقوق کیفری و اخلاق وجود دارد. نهادهای کیفری به دنبال تحقق عدالت‌اند و این خود مفهومی اخلاقی است. مهم‌ترین وابستگی میان حقوق جزا و علوم انسانی مربوط به علم اخلاق است. گاه رعایت نکردن مقررات اخلاقی واکنش خفیف اجتماعی را به دنبال دارد که به طور معمول با نكوهش، سرزنش و توبیخ‌های اخلاقی خفیفی همچون بی‌اعتنایی همراه است، اما اگر به دلیل اهمیت برخی از مقررات اخلاقی، عکس‌العمل شدید باشد مجازات یا اقدام‌های تأمینی پاسخگوی عمل ضداخلاقی است که عنوان جرم می‌گیرد (وروایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۹).

مجازات نسبت به مجرمانی که بزه دیده خود را از میان کودکان انتخاب می‌کنند از این افراد حمایت ویژه‌ای به عمل آورد و از سوی دیگر تدابیری بی‌اندیشد که بدون توسل به اقدامات کیفری موجبات کاستن از مجرمان صغیر رایانه‌ای و به حداقل رساندن خسارات و صدمات آنان را فراهم آورد.

## ۲-۲- مبانی اخلاقی

وقوع رفتارهای مغایر با عفت و اخلاق عمومی در هر اجتماع امری مسلم و انکارناپذیر است. آنچه در این میان به نظر مهم می‌رسد، نوع واکنش اتخاذ شده از سوی حکومت در قبال رفتارهای نامبرده است. راهبرد انتخاب شده از سوی برخی جوامع نشان جرم‌انگاری آنها در چارچوب حقوق کیفری دارد. اینکه چه رفتاری را باید ممنوع اعلام کرده و کدام یک را می‌توان از دایره اعمال قانونی خارج کرد، سؤالاتی است که باید در حوزه‌های فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق برای آنها پاسخی یافت. هر نظام حقوقی نسبت به مبانی اندیشه و عقاید خود محدوده جرمها و مجازات‌ها را تعیین می‌کند. نظام حقوق غرب متأثر از اندیشه‌های لیبرالیستی گرایش حداقلی حمایت از اخلاقیات را انتخاب کرده است. برخلاف آن، نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران بنا دارد از اخلاق حمایت بیشتری کند. از سوی دیگر کاهش تورم کیفری مساله روز دستگاه‌های قضایی و انتظامی بوده و نه تنها در جامعه ما بلکه موضوع بحث جامعه جهانی است. متأسفانه در ایران به این مقوله کمتر پرداخته شده است (وروایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳).

مکاتب متعدد جرم‌شناسی و متفکران هر کدام به نحوی در حوزه‌های مطالعاتی و بی‌شماری از قبیل فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق کیفری، جامعه‌شناسی جنایی و حتی سیاست، دغدغه‌مندانه به دنبال پاسخ به سؤالات همیشگی بشر بوده و در پی راهی اساسی برای استقرار امنیت و آرامش در جامعه انسانی بوده‌اند. هنگامی که واژه حقوق کیفری به گوش می‌خورد معانی مجازات، پدیده مجرمانه و مجرم به ذهن متبادر می‌شود. مفاهیمی که هر کدام یادآور به هم ریختگی و بی

در این بخش در پی پاسخگویی به این سؤال برمی آییم که چرا باید جرائم نوپدید شبکه‌های اجتماعی انگاری صورت بگیرد؟ علت و چیستی این امر چیست؟ در این بحث بر آییم تا با بررسی ریشه‌ها و اصول مبانی فلسفی به پاسخ این چرایی دست یابیم. دلایل و توجیحات متعددی را می‌توان برای جرم دانستن این اعمال و رفتارها نام بردند؛ دلایلی مانند اینکه گاه این اعمال باعث صدمه زدن به خود شخص و یا انسان دیگری می‌شود؛ که به آن اصل ضرر گفته می‌شود و در قالب این اصل به تحلیل فلسفی جرم می‌پردازند. همچنین از جهت دیگر دخالت کیفری در اعمال و رفتار انسانها موجه نیست مگر در عملی که هم لازم است کنترل شود و هم قابلیت کنترل و نظارت را دارد (حاجی ده آبادی و فلاحی، ۱۳۹۱: ۱).

قاعده لاضرر از قواعد مشهور فقهی است که در بیشتر ابواب فقه کاربرد دارد و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است. آنچه حائز اهمیت است، قابلیت نهفتگی اختلال‌ها در رفتار انسان‌ها، نسبت به نوعی از هنجارها و ارزش‌های جامعه است که به حکومت مجوز برخورد کیفری یا غیر کیفری را می‌دهد؛ حال بسته به اهمیت و ارزشمندی این هنجارها برخورد جامعه متفاوت می‌شود. گاهی رفتار از چنان اهمیتی برخوردار نیست که مستلزم مداخله حقوق کیفری باشد و بیشتر رنگ اخلاقی به خود می‌گیرد و ضمانت اجرای آن بیشتر سرزنش و قبح گروهی است که از آن به عنوان (انحراف) یاد می‌کنند (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۸۱).

گاهی نیز رفتار از خطوط قرمز ارزش‌ها و اصول جامعه عبور می‌کند و تا درجهای مخاطره آمیز می‌شود که دارای ویژگی غیرقابل تحمل می‌گردد، در نتیجه توقف آن لازم می‌آید. در این مرحله است که اجتماع یارای تحمل آن رفتار را ندارد و با ضمانت اجرای کیفری به آن پاسخ می‌دهد. حال، اینکه در گذار این فرآیند چه اصولی و با چه درجهای از اهمیت زیر پا گذاشته می‌شود که قوای عمومی، مجاز به ورود در منطقه آزاد رفتاری شهروندان می‌شود و قلمرو کنترلی خود را توسعه

اگر نخواهیم مجازات‌ها را فقط ضمانت اجرای اخلاقیات بدانیم بی تردید در کنار ضرورت‌هایی که قانونگذار را وامیدارد تا قوانینی مورد نیاز اجتماع وضع کند، باید پذیرفت که بسیاری از قوانین وضع شده دیگر برای جلوگیری از گسترش رفتارهای غیر اخلاقی است. پس به طور اختصار در مورد مفهوم پدیده مجرمانه و نسبت آن با اخلاق می‌توان گفت هر چند رایج‌ترین تعریف از جرم، نسبت به کنش‌های مخالف نظم اجتماعی انجام می‌شود اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت بی تردید همین مفهوم نظم اجتماعی بدون توجه به گرایش‌های اخلاقی یک جامعه قابل اشاره نیست. حقوق کیفری ایران نیز بیش از هر چیز در جرم انگاری رفتارهای ممنوعه متأثر از اخلاق بوده و به عبارتی دیگر بیشتر قوانین و اصول در حیطه حقوق کیفری ریشه در قواعد اخلاقی دارند. رابطه حقوق و اخلاق سؤال تازه‌ای نیست و همواره متفکران به ویژه فلاسفه حقوق به این موضوع پرداخته‌اند اما رابطه حقوق کیفری به عنوان ضمانت اجرای مقررات حافظ نظم اجتماعی با اخلاق چندان بررسی نشده است. استاد مطهری اخلاق را عبارت از علم زیستن یا علم چگونه باید زیست می‌داند (مطهری، ۱۳۹۰: ۳۵۶).

می‌توان گفت شیوه بهتر زیستن را در علم اخلاق می‌دانست؛ به عبارت دیگر آن گونه که متفکران دیگر گفته‌اند علمی است که با آن راه دستیابی به سعادت و یا نجات نفس به دست می‌آید. با توجه به اینکه در کشف مبنای خوب و بد که مسأله اساسی فلسفه اخلاق می‌باشد به چه سوی برویم، در تعریف آن نیز متفاوت خواهیم بود بنابراین گاهی نگاه صرف جامعه شناسانه اخلاق را به صرف رفتارهای پذیرفته شده اجتماعی و نفوذ یافته تقلیل می‌دهد. به بیان دیگر هر آنچه را که عموم می‌پسندد و عقاید عمومی می‌پذیرد صرف نظر از آرمان‌ها و اعتقادات مذهبی، اخلاق است.

## ۲-۳- مبانی فلسفی

به این امر گواهی می‌دهد. خداوند متعال نیز در تعلیل جرم انگاری این جرائم به این مطلب اشاره کرده و در قرآن کریم درباره عمل شنیع زنا می‌فرماید: «به زنا نزدیک نشوید؛ چه آن کاری بس زشت و بدراهی است» (نور/۱۲ و نساء/۱۴).

### ۳- معیارهای حاکم بر جرم انگاری در نظام کیفری ایران

#### ۳-۱- معیار توازن دلایل

بر اساس این معیار که مستنبط از عقاید حقوق دانان و فلاسفه حقوق کیفری است باید مانند آزمایشگاه شیمی، ترازویی را در نظر گرفت که دارای دو کفه است. هر رفتار به طور جداگانه و بر اساس یک اصل، مدنظر قرار می‌گیرد. چنانچه در خصوص رفتار خاصی با توجه به اصل مبنای سنجش، کفه ترازو به طرف جرم‌انگاری تمایل داشته باشد، جرم دانستن آن رفتار موجه خواهد بود و چنانچه سنگینی دلایل به سمت جرم ندانستن آن عمل باشد، جرم‌انگاری آن موجه نیست. قابل اجرا بودن یک قانون و هزینه‌های اجرایی قانون که بر جامعه تحمیل خواهد شد، اصولی هستند که مبنای سنجش جرم‌انگاری یا عدم جرم‌انگاری رفتار خاصی تلقی می‌شود (Schonscheck, 1994, 29).

چنانچه نتایجی که از اجرای یک قانون عاید جامعه می‌شود، مثبت باشد دلیلی به نفع جرم‌انگاری آن رفتار محسوب خواهد شد و در غیر این صورت تمایل به عدم جرم‌انگاری آن رفتار ظهور خواهد کرد. این معیار با انتقادات بعضی از نویسندگان مواجه شده است. آقای بیلز در خصوص عدم اعتماد به این معیار می‌گوید: «خصوصیات موجود در یک رفتار خاص، دلیل ضروری جرم‌انگاری آن، محسوب نمی‌شود، زیرا ممکن است اصول دیگری در مقابل آن اصل قرار گرفته و قانونگذاری دیگری را توجیه کند» (Bayles, 1975, p35)

دیگر این که، موازنه همواره دو طرف ندارد. گاهی باید میان چندین ادعا و دلیل یکی را گزینش کرد. در این صورت، کار دشوارتر است. زمانی نیز سنجش گر نمی‌تواند میان کفه‌های

می‌دهد، اتفاق نظر وجود ندارد. لکن در سنت فلسفی و حقوقی غربی یکی از مهم‌ترین اصولی که از آن با عنوان‌های اصول محدود کننده آزادی و اصول مشروعیت بخش اجبار یاد می‌شود، اصل ضرر است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، مبنایی معقول برای تحدید آزادی فردی و امکان مداخله قدرت عمومی و نه لزوماً اقدام کیفری پذیرفته شده است.

#### ۲-۴- مبانی فقهی

مبانی نظری جرم انگاری جرایم نوپدید شبکه‌های اجتماعی که نقش مهمی در توجیه جرم دانستن و برخورد با این چرایی جرم انگاری این گونه مراکز دارد، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- ضرورت حفظ ارزش‌های اخلاق و کرامت انسانی: بدون تردید از دید اسلام، انسان موجودی ارزشمند و شریف است. خداوند متعال در آیه‌های فراوانی از قرآن کریم به این امر اشاره کرده است. در قرآن کریم خداوند را برای به خاطر آفریدن انسان احسن الخالقین نام نهاده است (مومن/۱۴) و هنگام بیان نقشه خلقت انسان به فرشته‌ها، از او به عنوان خلیفه و جانشین خود یاد کرده است (بقره/۳۰) و فرشتگان را به سجده و کرنش در برابر او امر نموده است (بقره/۳۴)، وقتی بر کرامت و ارزش ذاتی انسان، تصریح نموده است (اسراء/۱۷).

خداوند برای نشان دادن هرچه بیشتر مقام و ارزش انسان، خطاب به ابلیس می‌فرماید چه چیز مانع تو شد تا در برابر آنچه که با دو دست خویش آفریده‌ام، سجده نکردی (ص/۷۵)، این تعبیر، یعنی: انسان با دو دست خدا، نشان دهنده آن است که انسان گوهری ارزشمند است؛ زیرا این تعبیر هنگامی به کار می‌رود که در انجام کاری احترام و ویژگی‌های منظور شده باشد. از این رو می‌توان گفت، یکی از معیارها و ملاک‌های اصلی که شارع مقدس اسلام در ایجاد عناوین مجرمانه مدنظر قرار داده است، توجه و عنایت به ارزش‌های اخلاقی و رعایت حرمت آنها بوده است. آن دسته از رفتارهایی که در شریعت مقدس اسلام ممنوع و جرم تلقی شده‌اند با ارزش‌ها و فضایل اخلاقی در تضاد می‌باشند؛ به گونه‌ای که هر صاحب ذوق سلیم

ایراد دیگری که در خصوص این معیار مطرح می‌شود این است که ارزیابی در این معیار، مبتنی بر یک معیار عینی نیست، بلکه مبتنی بر معیارهای ذهنی و در عین حال سلیقه‌ای و ساده‌انگارانه است و لذا به واقعیت آن نمی‌توان اعتماد کرد. لذا باید اذعان داشت که ارزیابی در علوم انسانی مبتنی بر معیارهای عینی نیست و عدم استفاده از معیارهای عینی به لحاظ ماهیت این موضوعات است. بنابراین نتایج این ارزیابی‌ها بر مبنای اصول مورد سنجش می‌تواند در جرم‌انگاری موجه یک رفتار، بسیار مفید و مؤثر باشد.

### ۲-۳- معیار مقبولیت یا فرض همنوایی و پذیرش

بر اساس این معیار، در جرم‌انگاری یک رفتار، قبل از هر چیز باید به واکنشی که شهروندان نسبت به آن از خود نشان خواهند داد توجه شود. زمینه‌های عملی و اجرایی قانون موضوع رفتار خاص در یک جامعه تا چه حد فراهم است؟ جرم‌انگاری یک رفتار، مستلزم چه میزان مداخله دستگاه عدالت کیفری در زندگی شهروندان است؟ آیا اهمیت ارزش حمایت شده، به حدی است که مداخله دستگاه عدالت کیفری را توجیه کند؟ و بالاخره این که جرم‌انگاری رفتارهای مشابه، چه تجربه‌ای را به دنبال داشته است؟

پاسخ به هر یک از این سؤالات درجه مقبولیت جرم‌انگاری یک رفتار را در اذهان شهروندان تعیین می‌کند. بی‌توجهی به زمینه‌های عملی و اجرایی قانون، مداخله بی‌حد و حصر در خلوت شهروندان، کم اهمیت بودن ارزش مورد حمایت در مقایسه با آزادی شهروندان، و بی‌توجهی به تجربه جرم‌انگاری رفتارهای مشابه، همگی تابعی از عدم مقبولیت جرم‌انگاری و نهایتاً ترمرد و عدم همنوایی مردم با قانون مورد نظر است. ممکن است قانونی علی‌رغم عدم مقبولیت اجتماعی، مدتی از طریق توسل به قدرت حاکمیت اجرا گردد، ولی مسلماً از دیدگاه این معیار قانون پایداری نخواهد بود.

مساوی اولویت را به یکی از آن‌ها بدهد. افزون بر آن، هر طرف موازنه که گزینش شود، باید وزن ادعاهای موافق و مخالف آن آشکار باشد تا بتوان به پرسش‌های طرح شده پاسخ داد. کدام دلیل قوی‌تر و کدام ضعیف‌تر بود. کدام یک را در اجرا باید بیشتر مورد توجه قرار داد؟ این‌ها موازنه را کم اعتبار می‌کنند. زیرا پاسخ قانع کننده‌ای به ما نمی‌دهد

«جل فینبرگ» از اصول مورد نظر در معیار توازن دلایل را شرط کافی برای جرم‌انگاری ندانسته است. وی می‌نویسد: در بعضی مواقع برای توجیه جرم‌انگاری یک رفتار باید چندین اصل در یک کفه قرار گیرد و یک اصل به تنهایی کافی نیست تا جرم‌انگاری آن رفتار خاص را توجیه کند. (Feinberg, 1973, p103)

ایرادات فوق ناشی از این امر است که در این معیار، اصول مبنای سنجش در جرم‌انگاری یک رفتار، به طور جداگانه مورد توجه قرار می‌گیرند. مثلاً در خصوص موجه بودن یا نبودن جرم‌انگاری یک رفتار بر مبنای اصل قابل اجرا بودن قانون، صرفاً دلایل قابل اجرا بودن و دلایل غیر قابل اجرا بودن قانون در مقابل یکدیگر ارزیابی می‌شوند.

همچنین بر مبنای اصل تصادیق بودن هزینه‌های قانون، صرفاً دلیل کم یا زیاد بودن هزینه‌ها در مقابل یکدیگر سنجیده می‌شوند. اما باید توجه داشت که محدودیت در این ارزیابی‌ها کاملاً ظاهری بوده و در عین حال جنبه نظری دارد؛ زیرا هر چند اصول مبنای سنجش در جرم‌انگاری، جداگانه مدنظر قرار می‌گیرند، ولی در نهایت نتایج ارزیابی‌های جداگانه به عنوان یک نتیجه گیری کلی در قانون گذاری مورد تأکیدند. زمانی که قانونگذار اقدام به جرم‌انگاری یک رفتار می‌کند، نتایج ارزیابی‌های مختلف را که بر مبنای اصول متعدد صورت گرفته، ملاحظه کرده در مجموع آن‌ها را مثبت تلقی می‌کند. بنابراین ایرادات فوق هر چند از لحاظ نظری موجه به نظر می‌رسند، ولی در عمل قابل اغماضند. (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۹)

ممنوعیت آن‌ها وجود نداشت بلکه ضرورتی نیز برای توسل و استفاده از ضمانت اجراهای کیفری در برخورد با آن اعمال احساس نمی‌شد. چرا که آنچه حادث شده بود تنها پدیده‌ای گذرا و مقطعی بود که به ظن جامعه شناسان دوام چندانی نمی‌توانست داشته باشد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۱۲)

با این حال علی‌رغم توصیه‌ها و تأکید جامعه شناسان بر عدم ضرورت استفاده از ابزارهای کیفری در این خصوص، متأسفانه سیاست‌گذاران کشورهای مذکور بدون توجه به این هشدارها مبادرت به جرم‌انگاری آن اعمال نمودند. امری که نه تنها در عمل چاره‌ساز نبود و قانونگذار را در رسیدن به اهداف مدنظر ناکام گذاشت، بلکه بعدها باعث ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌هایی در جهت حمایت از مرتکبان اعمال ممنوع شده نیز گردید و آن را به یک آرمان مشترک مبدل نمود. بنابراین جرم‌انگاری در مسیر جریان عادی و طبیعی جامعه، نه تنها مضمحل نخواهد بود بلکه در موارد زیادی نیز مشکل‌آفرین است. به هر حال با توجه به این معیار، قانونگذار باید قبل از جرم‌انگاری یک رفتار خاص و داخل کردن آن در قلمرو ضمانت اجراهای کیفری، به میزان مقبولیت و هم‌نوایی جامعه با جرم تلقی کردن و ممنوعیت آن رفتار، توجه داشته باشد. در غیر این صورت مشکلات عدم اجرای کامل و فقدان کارایی لازم و در نهایت مسکوت ماندن قانون مورد نظر، امری گریزناپذیر خواهد بود.

### ۳-۳- معیار منع ایراد خسارت

معروف‌ترین بحث در فلسفه حقوق کیفری، اظهارات آقای استوارت میل در رابطه با «اصل ایراد ضرر و خسارت» است. وی در تشریح این اصل، دو حوزه متفاوت برای رفتارهای آدمی تعیین می‌کند: حوزه آزادی‌های فردی و حوزه دخالت جامعه. استوارت میل نخست مفهوم موسع از حوزه آزادی‌های فردی را مطرح می‌کند که مقید به هیچ حد و حصری نیست و سپس با شمردن تبعات و توالی فساد آن، مفهوم مضیق از حوزه آزادی‌های فردی را بیان کرده، تأکید می‌کند که حوزه

در راستای توجه به معیار مذکور، قانونگذار نباید از جرم‌انگاری یک رفتار خاص به دنبال دست یافتن به اهداف آرمانی، متعالی و یا محافظه کارانه (از جهت سیاسی)، باشد. بدین ترتیب جرم‌انگاری باید در محدوده و چارچوب اهداف و کارکردهای حقوق جزا اعمال شود در غیر این صورت بدون شک از همراهی و مقبولیت اجتماعی برخوردار نخواهد بود. قانون باید ریشه در اجتماع و اراده جمعی داشته باشد تا بتواند قانون‌پایداری تلقی شود. آرمانی که برای قانون‌دارای مقبولیت بیان می‌گردد، نظام مطلوب جامعه است. اگر قانونی مبتنی بر نظم عمومی مطلوب باشد، فرض بر این است که تمامی جنبه‌های مثبت مقبولیت را دارد.

در صورتی که این فلاسفه پاسخ را مثبت ببینند نتیجه می‌گیرند که جرم دانستن آن رفتار، موجه است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا قانون‌گذار در جرم‌انگاری هر رفتار باید تابع مقبولیت جامعه باشد؟ پاسخ همیشه مثبت نیست و چه بسا جرم دانستن یک رفتار در نظر مردم مقبولیت داشته باشد، ولی هزینه‌های اجرایی آن به قدری سنگین باشد که در عمل نتوان آن را اجرا کرد. همچنین در بعضی موارد ممکن است قبح یک رفتار از نظر جامعه تأیید شود و افراد جامعه به دنبال مقابله با آن باشند، ولی از طرق غیر کیفری امکان مقابله با آن باشد. همان‌گونه که گفته شده است: رفتارها از نظر عموم جامعه خطا است، ولی جرم‌انگاری همه آن‌ها از طرف دولت، خطای بزرگ‌تری است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۲: ۳۵)

آنچه که در سال‌های اخیر در برخی از کشورهای اروپایی در خصوص ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس و اماکن عمومی مشاهده می‌شود، همگی گویای عدم توجه به معیار مقبولیت اجتماعی در جرم‌انگاری می‌باشد. بدین توضیح که قانونگذاران کشورهای مذکور بدون توجه به خواست و اراده جمعی و صرفاً با تکیه بر یک سری توجیهات مصلحت‌اندیشانه (از منظر خود) و محافظه کارانه، مبادرت به جرم‌انگاری اعمالی نمودند که نه تنها اراده و خواستی از سوی جامعه در جهت

رفتارها، صحت گفته پیشین به شدت محل تردید است. به عنوان مثال، جرم استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره با این که در عمل با اجبار مادی ناشی از مجازات‌های قانونی مواجه است، ولی با این حال، در دید جامعه و افکار عمومی چندان قابل تقبیح به نظر نمی‌رسد.

این‌گونه استنباط می‌شود که برای جرم‌انگاری اعمال، برخی شرایط مقدماتی لازم است که اولاً این اعمال و رفتارها، به لحاظ ایراد ضرر به غیر در حوزه دخالت جامعه قرار گیرند که در جرم زدایی از جرائم بدون قربانی (بزه دیده) نیز همین امر است. ثانیاً برنامه‌های تربیتی و اجبار معنوی ناشی از افکار عمومی، در مقابله با آن ناتوان باشد. در سال ۱۹۸۲ یک سند دولتی در کانادا تحت عنوان «حقوق جزا در جامعه کانادا، هم سو با عقاید استوارت میل» تأکید می‌کند: «حقوق جزا باید تنها در برخورد با رفتاری به کار برده شود که نسبت به آن، سایر ابزارهای کنترل اجتماعی غیر کافی یا نامناسب است و در خصوص مداخله در حقوق و آزادی‌های فردی باید فقط تا حدی که برای نیل به اهدافش ضرورت دارد، مداخله کند؛ زیرا هدف حقوق جزا در برقراری یک جامعه عادلانه و امن این است که از طریق ایجاد سیستمی از ممنوعیت‌ها، ضمانت اجراها و آیین‌نامه‌های دادرسی که به طور شایسته با رفتار قابل سرزنش که به افراد جامعه ضرر جدی زده و یا نسبت به ایجاد ضرر تهدید می‌کند، برخورد نماید» (عبدالفتاح، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

#### ۴-۳- معیار پلایش (روش صافی)

با توجه به این معیار، برای اینکه جرم‌انگاری یک رفتار موجه باشد، لازم است آن رفتار در مواجهه با سه موضوع یا به عبارت دیگر از سه مرحله با موفقیت عبور کند. هریک از این مراحل به صافی و فیلتر تشبیه شده است. عبور از همه این فیلترها، دلیل موجه بودن جرم‌انگاری آن رفتار خواهد بود.

آزادی‌های فردی در مفهوم اخیر با «اصل ایراد ضرر» محدود می‌شود. این حوزه از آزادی‌های فردی نیز نباید به بهانه احتمال ورود ضرر به دیگری، از سوی دولت محدود شود؛ چرا که در غیر این صورت ضرورتاً حاکمیت با دخالت‌های همراه با مزاحمت در زندگی شهروندان، آسایش آن‌ها را سلب خواهد کرد. (Mill, 1956, p16)

اگر بخواهیم حوزه رفتار فردی را بر اساس نظریات آقای استوارت میل ترسیم کنیم باید دایره‌ای را در نظر بگیریم که قسمتی از آن «حوزه دخالت جامعه» و قسمت دیگر آن «حوزه آزادی فردی» است. در مباحث سیاست جنایی نیز تعبیرات مشابهی برای حوزه‌های رفتاری وجود دارد، به طوری که حوزه دخالت جامعه از دیدگاه آقای استوارت میل، به «محدوده فضای تحت کنترل» و حوزه آزادی فردی مورد نظر وی «منطقه فضای آزاد» تعبیر می‌شود. (مارتی، ۱۳۹۱: ۹۵).

بعضی از رفتارهایی که در حوزه دخالت جامعه قرار می‌گیرد، با «اجبار مادی مجازات‌های قانونی» مواجه می‌شوند، اما اعمال دیگری که در این حوزه قرار می‌گیرند، صرفاً مشمول «اجبار اخلاقی افکار عمومی» خواهند بود. بنابراین واکنش جامعه در قبال رفتارهایی که در حوزه صلاحیت مداخله جامعه قرار می‌گیرند، همیشه قهرآمیز و سرکوبگر نیست تا مستلزم جرم‌انگاری باشد، بلکه صرفاً این اعمال مورد تقبیح جامعه قرار گرفته، فشار افکار عمومی برای مقابله با آن‌ها کفایت می‌کند.

به نظر می‌رسد هر رفتاری که با مجازات‌های قانونی مواجه باشد، غالباً مشمول اجبار اخلاقی افکار عمومی نیز خواهد بود و لذا اعمال مستوجب مجازات قانونی، در بیشتر موارد در بطن اعمال مشمول اجبار اخلاقی ناشی از افکار عمومی قرار می‌گیرد. البته این در فرضی قابل بحث است که قانونگذار در فرایند جرم‌انگاری، به مقبولیت اجتماعی و میزان هم‌نوایی شهروندان با ممنوعیت آن رفتارها، همان‌گونه که در مبحث گذشته به آن اشاره شد، توجه داشته باشد. در مواردی همچون استفاده ابزاری از حقوق کیفری برای جرم‌انگاری برخی

جویانه کیفری ترجیح داده شوند. بدیهی است عبور موفقیت آمیز رفتار از این مرحله، با مد نظر قرار دادن این فرض است که اقدامات غیر کیفری و غیر قهرآمیز ناتوان از مقابله با آن بوده، تنها راه جلوگیری از آن رفتار، توسل به ساز و کار جرم‌انگاری است.

صافی سوم، «صافی مبتنی بر عمل گرایی» یا واقع بینی و یا به بیان دیگر، صافی کارکردها است. این مرحله، بررسی نتایج عملی جرم‌انگاری یک رفتار است. جرم‌انگاری یک رفتار همواره باید با توجه به نتایج عملی مثبت صورت گیرد. اثبات این که نتایج عملی جرم شناختن یک رفتار مفید و مؤثرند، مستلزم اثبات این نکته است که جامعه با استفاده از دستگاه عدالت کیفری می‌تواند دامنه آن رفتار را کاهش دهد و از طرفی، هزینه‌های اجرایی این مداخله در مقایسه با منافعی که عاید جامعه خواهد شد، ناچیز خواهد بود.

شنسک به درستی می‌گوید که در این صافی از موضوع‌هایی سخن به میان می‌آید که مسائل اخلاقی ثانوی درباره‌ی جرم‌انگاری را پوشش می‌دهد. او این اصطلاح را در برابر اصول جرم‌انگاری به منزله‌ی موضوع‌های اخلاقی اولیه قرار داده است. زیرا در اصول اولیه دخالت دولت از نظر اخلاق توجیه می‌شود و در این اقدام تحقیق می‌شود تا بیش از استحقاق و عدالت به پدیده مشکل آفرین و مرتکب آن پاسخ داده نشود. رو در رویی نیز ملاکی دارد که نباید از آن تجاوز کرد. جرم تعهدها و هزینه‌هایی را بر مرتکب، خانواده او و جامعه تحمیل می‌کند که اگر نا به جا باشد ناعادلانه و غیراخلاقی خواهد بود. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۱۷)

معیار پالایش، از چند جهت ارزشمند بوده و بر روش موازنه برتری دارد: نخست، مراحل تصمیم‌گیری را از هم جدا و کارکرد هر مرحله را تعیین کرده است. دوم، اصول پذیرفته شده و مبانی مورد نظر قانونگذار که در واقع، در نظریه فلسفی او اساسی و مهم است جایگاه ویژه‌ای در تصمیم‌گیری به خود اختصاص داده‌اند تا جایی که می‌توان گفت که هریک از این

اولین صافی، «صافی اصول» است. در این مرحله، از منابع اخلاقی جامعه بحث می‌شود و این که اصول مربوط به منابع اخلاقی جامعه کدام است، با توجه به اصول و مبانی اخلاقی جامعه، سؤالاتی که در خصوص یافتن معیار جرم‌انگاری مطرح می‌شود عبارتند از:

- ۱- آیا رفتار خاص، لطمه‌ای به دیگران وارد می‌کند یا نه؟
- ۲- آیا رفتار خاص دیگران را آزار می‌دهد یا نه؟
- ۳- آیا رفتار خاص سبب ورود ضرر به خود فرد می‌شود یا نه (اندیشه قییم مآبانه قانونی)؟
- ۴- آیا رفتار خاص صرف نظر از ورود لطمه به خود یا دیگران غیراخلاقی است یا نه؟
- ۵- آیا رفتار خاص باعث ایجاد پلیدی‌های غیر ثابت می‌شود یا نه؟

بنابراین گام اول در جرم‌انگاری یک رفتار، آن است که رفتار مورد نظر باید با مبانی و اصول اخلاقی آن جامعه، تعارض داشته باشد. صافی دوم به صافی فروض یا پیش فرض‌ها «شهرت دارد. پس از اینکه رفتاری معارض با مبانی اخلاقی جامعه تلقی گردید باید به این امر توجه شود که آیا از طریق توسل به اقدامات غیر کیفری می‌توان رفتار مورد نظر را محدود کرد یا خیر. در هر جامعه، راهکارهای متفاوتی برای مقابله با رفتارهای غیراخلاقی وجود دارد. به فرض اینکه بتوان از طریق اقدامات غیر سرکوبگر مانع آن رفتار شد یا دامنه آن را محدود کرد، نیازی به جرم‌انگاری آن رفتار ندارد. در این زمینه رسی می‌گوید: «دولت فقط می‌تواند نقض آن دسته از تکالیف اخلاقی نسبت به جامعه و افراد را که مخل نظم عمومی بوده و قابل رسیدگی در پیشگاه عدالت انسانی است و ایفای آن‌ها جز با ضمانت اجراهای کیفری ممکن نمی‌باشد، جرم تلقی کند». (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۶۵)

با توجه به این صافی، در رابطه با اعمال مورد توجه دولت و جامعه باید روش‌های غیر مداخله گر بر روش‌های مداخله

به دلیل فرد در اعمال مربوط به خود، آزادی‌اش مطلق است و حدی بر آن، متصور نیست و معتقدند که، فرد بر خویشتن و بر تن و جان خویش، سلطان مطلق است، اما این دیدگاه با واقعیت‌های جوامع امروزی تطابق نداشته و مردود می‌باشد. اما دیدگاه دوم، امکان جرم‌انگاری جرایم نوپدید بر اساس مبانی (فقهی، حقوقی، اخلاقی) و اصولی (اصل ضرر، مصلحت عمومی، ضرورت) امکان‌پذیر می‌باشد. قانونگذار همواره با در نظر داشتن مبانی رفتاری را جرم‌انگاری مینماید اما این مبانی و دلایل معمولاً مورد تصریح قانونگذار قرار نمی‌گیرد و اصولاً نمی‌توان مبانی صریح جرم‌انگاری بسیاری از اعمال و رفتارها را از متن قوانین استنتاج کرد. با بررسی مبانی فلسفی جرم‌انگاری دلایل و توجیهاات متعددی به منظور جرم‌دانستن این قبیل اعمال و رفتارها ذکر می‌گردد؛ دلایلی مانند اینکه گاه این اعمال باعث صدمه زدن به خود شخص و یا انسان دیگری می‌شود؛ که از آن به عنوان اصل ضرر یاد می‌شود و در قالب این اصل به تحلیل فلسفی جرم پرداخته و ذکر می‌شود نوعاً جوامع، رفتارهایی را غیرقابل تحمل میدانند که آسیب و صدمه مشهودی را برای فردی از افراد یا کل جامعه در پی داشته باشد. همچنین به اصل ضرورت در جرم‌انگاری، اشاره می‌شود که بیانگر این است که نمی‌توان و نباید جرم‌انگاری کرد، مگر اینکه ضرورت داشته باشد. ضرورت نیز بیانگر حالتی است که هیچ‌گیزی از آن نیست و در واقع، جرم‌انگاری تنها راهکار منع و محدود کردن آن عمل باشد. از منظر مبانی اخلاقی در جرم‌انگاری جرایم نوپدید نیز می‌توان گفت که بسیاری از قوانین وضع شده برای جلوگیری از گسترش رفتارهای غیراخلاقی است و قانونگذار ایران به حرمت‌های مذهبی و اخلاقی جرم‌ها بر ضد حیثیت و شرافت انسانی توجهی ویژه دارد. در واقع آنچه را شارع مقدس از آن به عنوان گناه یاد کرده است، همان رفتار خلاف اخلاق حسنه‌ای است که قانون‌گذار ایران در حقوق کیفری آن را مبنایی برای جرم‌انگاری رفتارها در نظر داشته است. از این رو انجام اعمالی که در فقه گناه محسوب می‌شود در حقیقت رفتارهای خلاف

اصول و مرحله‌های تصمیم‌گیری به طور مستقل حق و توی جرم‌انگاری را دارند. سوم، برخی از ایراداتی که برای روش‌های پیشین شماره شده بود، را ندارد. چهارم، فرایند تصمیم‌گیری بر این اساس آسان‌تر و قاطعیت بیشتری خواهد داشت.

### نتیجه‌گیری

هدف حقوق، ایجاد و تضمین نظم در جامعه است. ملتزم شدن به نظم حقوقی و قبول محدودیتهای ناشی از آن، وابسته به بهره‌مندی بهینه انسان از آزادی و امنیت است. جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای نقض ارزشهای اساسی، ابزاری در دسترس نظم حقوقی برای حمایت از ارزشها است. حفظ حرمت و کرامت انسان و احترام به آزادی او و از جمله آزادی باور دینی از ارزشهای مهمی است که حمایت از آن بر عهده نظم حقوقی است. شبکه‌های اجتماعی، به خصوص تلگرام و اینستاگرام دنیای وسیع و پیچیده‌ای است که امروزه بین اقشار مختلف جامعه بالاخص بین جوانان، جایگاه خاصی پیدا نموده است، به نحوی که در یک بررسی ساده می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر جوانان اوقات زیادی را با شبکه‌های اجتماعی سپری می‌نمایند. رشد شبکه‌های اجتماعی، عضویت اکثر اشخاص حداقل در یکی از این شبکه‌ها، عدم اطلاع و آگاهی کاربران از بعد فنی فضای مجازی و همه گیر شدن ارتباطات از طریق آنها و درگیر کردن بخشی از زندگی اشخاص، سبب وقوع جرایم مختلفی در این رابطه شده است. امروزه علاوه بر توجه به جرایم کلاسیک باید به جرایم جدید و نوظهور جرایم شبکه‌های اجتماعی و به خصوص قربانیان این جرائم نیز توجه شود. لزوم بررسی و داشتن نگاه جرم‌شناسانه به این فضا و شناخت کنشگران این محیط که همانا بزه‌کاران و بزه‌دیدگان شبکه‌های اجتماعی هستند امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. یکی از موضوعات مهم در زمینه جرایم نوپدید در شبکه‌های اجتماعی، بحث امکان جرم‌انگاری این جرایم است. چرا که برخی از این جرایم در قوانین کیفری جرم‌انگاری نشده و مجازاتی پیش‌بینی نشده است. در این زمینه دو دیدگاه کلی مطرح است اول عدم امکان جرم‌انگاری

## منابع

- عفت و اخلاق حسنه ای است که جامعه نیز آنها را نمی پسندد. همچنین بر مبنای حقوقی، قانونگذار کیفری از جرم انگاری یک رفتار اهداف خاصی را دنبال می کند لکن هنگامی که این جرم انگاری بدون معیار و ضابطه صورت گیرد نه تنها این اهداف محقق نمی شود بلکه چهره دستگاه عدالت کیفری مخدوش می گردد؛ بنابراین برای جرم شمردن یک رفتار ضروری است اصول و قواعد حقوق کیفری و اقتضائات خاص یک جرم کاملاً رعایت شود. برخی ویژگی‌های جرائم شبکه های اجتماعی از یکسو بر ضرورت رعایت دقت و ضابطه در جرم انگاری می افزاید و از سوی دیگر اقتضائات خاصی را در امر جرم انگاری موجب می شود؛ با توجه به ویژگی ها و شرایط منحصر به فرد فضای مجازی برای نیل به یک قانون مؤثر، کارآمد و عادلانه ضروری است قانونگذار کیفری، اصول خاصی را برای جرم شمردن یک رفتار در فضای سایبر رعایت کند. چرا که به علت استاندارد شدن نسبی فناوری های اطلاعات و شیوه های ارتکاب جرم در صحنه جهانی و فرامرزی بودن جرم، باید به هماهنگی با قوانین بین المللی توجه فراوان داشت. همچنین توجه ویژه مقنن به اқشار آسیب پذیر در فضای مجازی و جرم انگاری به گونه ای که به سن و جنسیت حساس باشد، به جهت کثرت بزه دیدگی این افراد در فضای مجازی ضروری است.
- سپاسگزاری**
- از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می شود.
- از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می شود.
- از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می شود.
- نگارندگان بر خود لازم می دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.
۱. آزمایش، سیدعلی (۱۳۸۳)، تقریرات حقوق کیفری، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، تحریر از علی شجاعی.
  ۲. آقابابایی، حسین (۱۳۸۴)، قلمرو امنیت در حقوق کیفری، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
  ۳. برهانی، محسن (۱۳۸۸)، تاثیر نظریه های اخلاقی بر حقوق کیفری با تاکید بر حقوق ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
  ۴. بشریه، حسین (۱۳۷۸)، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن ۲۰ و لیبرالیسم محافظه کاری، نشرنی، تهران.
  ۵. بکاربا، (۱۳۸۹) رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه دکتر اردبیلی، انتشارات میزان، تهران.
  ۶. پژوهش، امین و زمانی، افسانه (۱۳۹۷)، مبانی جرم انگاری جرایم سایبری مجازی، نشریه منادی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات، شماره ۲.
  ۷. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲)، باید و نبایدهای جرم انگاری در حقوق کیفری ایران، مجله مجلس و راهبرد، ش ۷۵.
  ۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران.
  ۹. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۳)، مبانی حکومت اسلامی، بوستان کتاب، قم.
  ۱۰. جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۸۵)، جرائم سایبر و چالش های نوین سیاست کیفری، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن حقوق و چالشهای آن، دانشگاه فردوسی، مشهد.
  ۱۱. حاجی ده آبادی، احمد و حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۹۲)، بررسی مبنای ضرر در جرم انگاری تجاوز جنسی با رویکردی به فقه امامیه، پژوهشهای حقوق کیفری، شماره ۲.
  ۱۲. حاجی ده آبادی، احمد و سلیمی، احسان (۱۳۹۳)، اصول جرم انگاری در فضای سایبر (با رویکردی انتقادی به قانون جرائم رایانه ای)، فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد، شماره ۸۰.
  ۱۳. حبیب زاده؛ محمدجعفر و همکاران (۱۳۸۰)، تورم کیفری، عوامل و پیامدها، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۴.
  ۱۴. خمینی (ره)، روح الله (۱۳۶۸)، تحریر الوسیله، انتشارات اسماعیلیان، قم.
  ۱۵. دالمن، معصومه (۱۳۹۷)، بررسی ضرورت جرم انگاری جاسوسی اقتصادی و صنعتی در فضای سایبر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد بندرعباس.
  ۱۶. دانش، تاج زمان (۱۳۸۵)، مجرم کیست جرم شناسی چیست؟، موسسه کیهان، تهران.
  ۱۷. دلماس مارتی، میری (۱۳۸۱)، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، تهران.
  ۱۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، لغت نامه، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
  ۱۹. دهقان، حمید (۱۳۸۶)، تاثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، موسسه انتشارات مدین، قم.
  ۲۰. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)، بزه دیدگان؛ حقوق و حمایت های بایسته، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۹.
  ۲۱. زرخ، احسان (۱۳۹۱)، بزه دیده شناسی سایبری، فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره ۶۴.

46. *Computer Crimes – Legislative proposal and explanatory memorandum pc-cy cdpcc 1998 .p:35 and Computer Crimes intellectual property-dept of justice – march 2001-vol 49-no2.*
47. *Collins H (1994). The Place of Computers in Legal Education in Birks P (ed) Reviewing Legal Education OUP, Oxford, 60.*
48. *Hutton, S. and S. Haantz (2003). "Cyber Stalking", Retrieved from <http://www.nw3c.org>.*

۲۲. سخاوت، جعفر (۱۳۹۱)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
۲۳. شامبباتی هوشنگ (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات ژوبین، تهران.
۲۴. شیخاوندی، داور (۱۳۸۵)، جامعه شناسی انحرافات، انتشارات مرند یزد، مشهد.
۲۵. عمید، حسن (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۶. فرجیها، محمد و علمداری، علی (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی معیارهای جرم‌انگاری در فضای سایبر در نظام کیفری ایران و آلمان، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲.
۲۷. قایدرحمتی، الهام (۱۳۹۵)، نقش شبکه های اجتماعی در جرم زدایی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، فلسفه حقوق، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران.
۲۹. کلارکسون، کریستوفر (۱۳۷۱)، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میر محمد صادقی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۳۰. کوثری، مسعود (۱۳۸۷)، اینترنت و آسیبهای اجتماعی، نشر سلمان، تهران.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۵۱۴۰۳)، بحارالانوار، جلد دهم، المکتبه الاسلامیه، قم.
۳۲. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۲)، مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری، رساله دوره دکتری، دانشگاه تهران.
۳۳. مرعشی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۹)، مبانی فقهی مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، انتشارات روزنامه رسمی، تهران.
۳۴. مشکینی، علی (۱۳۷۶)، اصطلاحات الصول و معظم ابحاثها، الهادی، تهران.
۳۵. معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۶. معینی، جهانگیر (۱۳۸۷)، رابطه مصلحت عمومی و آزادی فردی، فصلنامه حقوق، شماره ۴۴.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳)، تعزیر و گستره آن، انتشارات مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع)، قم.
۳۸. منتسکیو، شارل (۱۳۸۹)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۳۹. میرخلیل، سید احمد و محمدزاده، مجید (۱۳۹۱)، قانونگذاری در قرآن و مکاتب بشری، مجله قرآن و علم، ش ۷.
۴۰. نادرخانی، نیما (۱۳۸۹)، جرایم علیه تمامیت داده ها و سامانه های رایانه ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۴۱. نوریها، رضا (۱۳۹۴)، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر داد آفرین، تهران.
۴۲. هانر، توماس، استوارت میل جان (۱۳۷۹)، آزادی فرد و قدرت دولت، ترجمه محمود صناعی، انتشارات هرمس، تهران.
۴۳. ورورایی، اکبر و همکاران (۱۳۹۳)، تأثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۸.
۴۴. ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، نشر داد، تهران.
45. *Bartholomew, Mitchell K., Sarah J. Schoppe-Sullivan, Michael Glassman, Claire M. Kamp Dush and Jason M. Sullivan (2012). "New Parent's Facebook Use at the Transition to Parenthood", Family Relations, Vol. 61, No. 3.*